

محتوای قانون بانکداری بدون ربا و مقایسه آن با عملکرد

نظریات دکتر حسن سبحانی، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی

نظر می‌رسد که همین تداخل باعث شد که بخش‌های ساده‌تر که با وظایف بانک سنخیت بیشتری داشت، فعال شود و بخش‌های سرمایه‌گذاری که با فعالیت‌های بانک سنخیت کمتری داشت، تحت الشعاع قرار گرفت و نهایتاً منزوی شد. این مشکل است که اگر الان هم نسبت به رفع آن اقدام نکنیم، بسیار کار مفیدی انجام داده‌ایم.

اما در این فاصله بیست و چند سال آنچه بر عقود مشارکتی رفت، تفاوت اجرا با محتوای قانون بانکداری بدون ربا بود. گفته شده بود که مردم پول خودشان را به موسسه‌ای که نامش بانک بود، قرض ندهند، بلکه به بانک به عنوان یک وکیل رجوع کنند و پول خود را به بانک بسپارند تا بانک پولشان را تبدیل به سرمایه کند و در حاصل سرمایه‌گذاری، آنها را متناسب با پول تبدیل به سرمایه شده سهمیم کند. بنابراین، دایم به مردم تذکر داده می‌شد که اخذ پول در قبال قرض، به منزله جنگ با خداست و مطابق احداث برابر با زنا با محارم در خانه خداست. بنابراین، در صورت قرض دادن پول، پول اضافی دریافت نمی‌کنید و قرض‌الحسنه است. اگر می‌خواهید اضافه بگیرید، باید پولتان را سرمایه‌گذاری کنید. بنابراین، در موسسات سرمایه‌گذاری چیزی به نام وام و قرض وجود ندارد، بلکه مشارکت وجود دارد. وکیل من که حالا این موسسات سرمایه‌گذاری یا بانک است، باید فرصت‌های سرمایه‌گذاری را جستجو کند و از طریق تبدیل پول من به سرمایه، در یک فعالیت اقتصادی مشارکت کند. این فعالیت اقتصادی ممکن است چند ماه یا چند سال به طول بینجامد. در این فاصله من به عنوان صاحب پولی که حالا تبدیل به سرمایه شده است، نباید انتظار سود روزانه یا ماهانه داشته باشم، بلکه در پایان سرمایه‌گذاری و به‌بهره‌رسیدن سرمایه‌داری و وقتی به سود رسیدیم، متناسب با سرمایه خودم از سود استفاده می‌کنم. مضافاً این که، متناسب با این سرمایه‌گذاری، در ساختار این بنگاه جدیدالتأسیس سهمیم

❏ / آیا آنچه در سال ۶۳ تدوین شد، بانکداری اسلامی بود و یا همان عنوانی که داشت: "بانکداری بدون ربا"؟

□ البته عنوانش را بانکداری بدون ربا گذاشتند و تا جایی که به خاطر دارم، می‌گفتند که اگر بخواهیم نامش بانکداری اسلامی باشد، باید تغییرات فراوانی در اقتصاد ایجاد شود تا برآیند همه اینها یک نشانی از اقتصاد اسلامی داشته باشد و لذا آنها به حذف ربا در آن مرحله بسنده کردند و عقود را که طراحی کردند، عقود بود که می‌توانست بازدهی ثابت داشته باشد و عقود که مشارکتی بود و نمی‌توانست بازدهی ثابت از پیش تعیین شده داشته باشد. بنابراین، من فکر می‌کنم که آنها توجه داشتند که بانکداری اسلامی در یک محیط اقتصاد اسلامی می‌تواند معنا داشته باشد.

❏ / ما اگر بخواهیم یک دوره بانکداری بدون ربا را بررسی کنیم، با چه بحث‌ها و مشکلاتی مواجه می‌شویم؟ چه مقدار از نارسایی‌ها به برنامه‌ریزی ما برمی‌گردد و چه میزان به نحوه اجرای آن؟

□ شاید مهمترین نارسایی در تاسیس بانکداری بدون ربا این بود که عقود مشارکتی و عقود با بازدهی ثابت و غیره همراه با فعالیت قرض‌الحسنه همه را تحت عنوان بانکداری بدون ربا نامگذاری کردند. من فکر می‌کنم این آغاز یک مشکل بود. امروز که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم می‌شد این کار را کرد که قانونی نوشته شود که بانکی را تداعی کند که حساب جاری و حساب‌های قرض‌الحسنه در آن بود و فعالیت‌های بانکی در آن صورت می‌گرفت، اما سپرده سرمایه‌گذاری را در این بانک‌ها وارد نمی‌کردیم. یک فعالیت‌های دیگری مثل عقود مشارکتی را باید از بانک جدا می‌کردند و تحت عنوان موسسات سرمایه‌گذاری به ثبت می‌رساندند. به عبارت دیگر، انتظار و تلقی که ما از بانک داریم، سرمایه‌گذاری به طور متداول توسط بانک‌ها نیست. آنچه در اینجا می‌گذرد، انجام امور بانکی و سرمایه‌گذاری است و به

■ ■ ■
شاید مهمترین نارسایی در تاسیس بانکداری بدون ربا این بود که عقود مشارکتی و عقود با بازدهی ثابت و غیره، همراه با فعالیت قرض‌الحسنه، همه را تحت عنوان بانکداری بدون ربا نامگذاری کردند.

■ ■ ■
موسسات سرمایه‌گذاری در اسلام، بازار سرمایه هستند و نه بازار پول و مناسبتر آن است که از قالب بانک بیرون بیایند و نام موسسات سرمایه‌گذاری را به خود بگیرند.

سپرده‌گذار از افزایش یک درصدی می‌گفت. در این بین، یک روحانی از قم بلند شد و گفت که این دعوا از هر دو طرف دارای اشکال است. کاهش یا افزایش سود، به معنای یکی دانستن سود با نرخ بهره است که بانکداری بدون‌ربا نسبت به آن موضع دارد. در مجلس هفتم مجدداً این بحث مطرح شد. اقدام مجلس گرچه به نفع تولید بود، اما همچنان با این شبهه مواجه بود. نظر شما چیست؟

□ فرمایش شما کاملاً درست است. من در ضمن این که از نیت خیر نمایندگانی که این طرح را برای کاهش مشکلات تولید مطرح کردند، خبر دارم، ولی نه طرح را امضا کردم و در مخالفت با طرح نیز صحبت کردم، به این دلیل که قصد داشتم از کیان نظام بانکداری بدون‌ربا دفاع کرده باشم. همانطور که فرمودید، وقتی بهره وجود ندارد و سود وجود دارد، ما در بانکداری بدون‌ربا از سود متغیر باید صحبت کنیم. ما باید ببینیم ظرف زمانی که این پروژه به سود می‌رسد، چه مقدار است و بعد سود متأثر از شرایط اقتصادی ما بالا یا پایین می‌آید. اگر پول فرد "الف" که به سرمایه تبدیل شده است، در عرصه تولید که هم عرضه کالا را زیاد کرده است و هم اشتغال ایجاد کرده و هم تورم را به واسطه افزایش عرضه پایین آورده است، ۱۹ درصد سود برد، چرا باید کمتر از ۱۹ درصد به آن سود بدهیم. اما اگر پول تبدیل به سرمایه فرد "الف" در عمل هفت درصد سود برده است، چه لزومی دارد که ما ۱۴ درصد به آن سود بدهیم و مابه‌التفاوت آن را از بیت‌المال و بودجه عمومی تامین کنیم؟ یکی از آسیب‌های وضع فعلی مجبور شدن دولت به پرداخت یارانه به فعالیت‌هایی است که آن فعالیت‌ها نرخ سود واقعی را تغییر دهد. این دوستانی که این طرح را مطرح کردند، به نظر من، از لحاظ روش‌شناسی بانکداری بدون‌ربا، دقت لازم را نکرده‌اند.

اما کسانی که به شدت به این طرح حمله کردند و گفتند نرخ سود باید از نرخ تورم بیشتر باشد، آنها نیز از لحاظ روش‌شناختی خطای بسیار بزرگتری را انجام دادند و آن، تفکر لیبرالیسمی بود که بر ذهنیات این افراد حاکم بود. آنها در استدلال خودشان، که متأسفانه تعداد آنها هم بسیار زیاد بود، می‌گویند در برخی از کشورهای که نام می‌برند، همیشه نرخ بهره از نرخ تورم بیشتر است، پس در جمهوری اسلامی باید نرخ سود از نرخ تورم بیشتر باشد، یعنی در واقع، آنها ناخواسته سود با بهره را یکی گرفتند و این تأیید همان جمله بنده است که ما اسم بهره را عوض کردیم و سود گذاشتیم، در حالی که اگر سود دنبال شود، همانطور که بارها گفته شده، تورم را در خودش نهفته دارد. در دوران تورمی، ثروت صاحب سپرده هم افزایش می‌یابد و این بسیار غلط است که ما نرخ سود را با نرخ تورم مقایسه می‌کنیم و این باز هم مشکل دیگری است که ما در این مقوله فکری داریم.

مأخذ: کیهان / ۲۰ تیر ۱۳۸۵

هستم. ملاحظه می‌فرمایید که در این ارتباط از کسی که با وام با بانک شریک می‌شود و از طریق بانک در سرمایه سپرده‌گذار سهام می‌شود، اخذ وثیقه هم جایز نیست، چون دو شریک از یکدیگر که وثیقه نمی‌گیرند. این مشکلی است که در حال حاضر در نظام سرمایه‌گذاری ما وجود دارد و بسیاری از کسانی که سرمایه‌گذاری می‌کنند، به خاطر نداشتن وثیقه یا گرفتار بودن وثیقه‌ها، سر از زندان و جاهای دیگر درمی‌آورند. بنابراین، موسسات سرمایه‌گذاری در اسلام، بازار سرمایه هستند و نه بازار پول و مناسبتر این است که از قالب بانک بیرون بیایند و نام موسسات سرمایه‌گذاری را به خود بگیرند و افراد هم متوجه باشند که موسسات سرمایه‌گذاری را باید طوری انتخاب کنند که کارایی و تخصص لازم را داشته باشد و پول آنها را در جایی سرمایه‌گذاری کند که بازدهی لازم را به آنها بدهد. این کاری است که انتظار می‌رفت نظام بانکی ما انجام دهد.

دکتر سبحانی: آنچه بر عقود مشارکتی رفت، تفاوت اجرا با محتوای قانون بانکداری بدون‌ربا بود.

□ نحوه رفتار نظام بانکی ما با این قانون چگونه بوده است؟

□ حداقل انتظار این بود که نظام بانکی و دانشکده‌های حسابداری ما، نحوه تنظیم اسناد و دفاتر مالی این نحوه سرمایه‌گذاری و مشارکت را تهیه کنند. شما اگر به بانک‌ها رجوع کنید، متوجه می‌شوید که نحوه ثبت و ضبط مسایل حسابداری مالی مشابه بانکداری ربوی است.

امروز وثیقه‌های فراوان از کسی که تقاضای سرمایه‌گذاری می‌کند، می‌گیرند. امروز تحت‌عنوان سود علی‌الحساب، بهره دریافت و پرداخت می‌شود و فقط اسم بهره به سود تغییر پیدا کرده است. بنابراین، این بانکداری از نظر ما، لااقل در عقود مشارکتی، بسیار دور از آن واقعیتی است که باید وجود داشته باشد. این که این واقعیت قابل اجرا است یا نیست، من، شما را به بیست‌وچند سال پیش ارجاع می‌دهم که اگر در این ۲۳ سال هر دو سال یکبار، یک مشکل از نظام بانکی ما مرتفع می‌شد، آنوقت مسایل این بانکداری حل می‌شد، اما اراده و باوری برای حل این مشکلات، به علت همان تفکرات حاکم بر نظام اقتصادی ما، وجود نداشت و ندارد.

□ چند سال پیش، زمان مرحوم نوربخش یک اختلاف ایجاد شد: نوربخش به نفع سرمایه‌گذاری می‌گفت سود بانک بایستی یک درصد کاهش یابد و دکتر نمازی به نفع

شما اگر به بانک‌ها رجوع کنید، متوجه می‌شوید که نحوه ثبت و ضبط مسایل حسابداری مالی مشابه بانکداری ربوی است.